

# اخلاق حرفه‌ای در بوته عمل



مجید میراسکندری

و سایر حرفه‌ایهای بازار، نکته مهم بی بردن به این است که بالادستیها چه سازی می‌زنند، و چه چیزی را به تمام بدنه تشکیلات توصیه یا تحمیل می‌کنند.

در بسیاری از نمونه‌های فروپاشی، رفتار غیرقابل قبول و غیراخلاقی بالادستیها به چشم می‌خورده است. تقلب در محیطهای غیراخلاقی سریعتر همه گیر می‌شود. رفتار مدیریت ارشد علامتهای قوی به مدیران میانی و کارکنان می‌فرستد.

برای مثال ساز بالادست در موسسات حسابرسی در مواردی از جمله تقسیم درآمدها، ترقی شرکا، مدیران و سایر کارکنان و قبول و نگهداری مشتریان نمود پیدا می‌کند.

آیا واقعاً باید تمام مشتریان را نگاه داشت و همواره بر تعداد آنها افزود؟ آیا باید تمام مشتریان بالقوه را پذیرفت؟ پاسخ این است که نه، مشتریان پرخطر را نباید پذیرفت، تا آنها هم خود را اصلاح کنند.

## نمونه انرون

بررسی نمونه انرون نشان می‌دهد که مدیران ارشد اجرایی دست کم در مورد اختیار خرید سهام با سهامداران، تضاد منافع داشته‌اند؛ از ترفند موسسات تک منظوره استفاده کرده‌اند؛ با توصیه و کلا و حتی حسابرسان، از روشهای تردید برانگیز حسابداری سود برده‌اند؛ اعضای کمیته حسابرسی مربوط، که مشکلات مالی داشته‌اند، بسیاری موارد را نادیده گرفته‌اند؛ تعدادی از حسابرسان قبلی، در شرایط خاص کارمند شرکت شده‌اند؛ حسابرسان به انواع خدمات غیر حسابرسی پرداخته‌اند؛ مقررات گذاران، البته شاید در نبود منابع مالی لازم، ایرادی به تلفیق غیراصولی حسابها نگرفته‌اند؛

## رفتار غیراخلاقی

پس از فروپاشیهای مهم مانند انرون و ورلدکام و دیگران در اوایل هزاره سوم، گروه کاری «بازسازی اطمینان عمومی به گزارشگری مالی» در اکتبر سال ۲۰۰۲ از طرف فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC) مأموریت یافت تا نموداری کلی از دلایل از دست رفتن اعتبار گزارشگری مالی و افشای شرکتها را ارائه و شرایط تجدید اعتبار آنها را توصیه کند.

این گروه ضمن بررسی بازیگران چرخه گزارشگری مالی، اعم از هیئتهای مدیره، مدیران ارشد اجرایی، حسابرسان داخلی و مستقل، کمیته‌های حسابرسی، بانکهای سرمایه‌گذاری، تحلیلگران مالی، موسسات رتبه‌بندی، رسانه‌ها، مقررات گذاران و استانداردنویسان، و کلا و دیگران، از جمله به این نتیجه رسید که:

«بسیاری از مثالهای شکست گزارشگری، کوتاهیهای برخی از بازیگران در عملکرد اخلاقی را نشان می‌دهد که فهرست آن طولانی است مانند: گمراه کردن حسابرسان، پنهانکاری، ارائه اطلاعات ناقص، عرضه توصیه‌های نامتوازن، سوءاستفاده از اعتماد، سوءاستفاده از اطلاعات داخلی و غیره. گویی که بازیگران فقط به فکر خود بوده‌اند، نه به فکر شرکت و نه به فکر سهامداران آن. متأسفانه بسیاری از اعضای انجمنهای حرفه‌ای حسابداری و غیر حسابداری، نیز آیینهای رفتار حرفه‌ای انجمنهای خود را نادیده گرفته‌اند.»

## ساز بالادستیها

برای ایجاد محیطهای لازم اخلاقی در شرکتها، موسسات حسابرسی

## تا موقعی که رفتار غیر اخلاقی ریشه کن و رفتار اخلاقی سرلوحه اقدامات بازیگران نشود وجود مقررات

### استانداردها و حتی آیین نامه های رفتار حرفه ای مناسب هم نمی تواند صد درصد ما را از انجام درست کارها مطمئن سازد

عهده گرفتند، عملاً «تضاد منافع» باعث شد مدیران مربوط آنچنان رفتار غیر اخلاقی از خود نشان دهند که حیرت همگان را برانگیخت. از یک طرف سهام شرکت را بازاریابی کردند و فروختند، از طرف دیگر شخصاً شرکتی را در کنار شرکت اصلی تاسیس کردند که محصولات شرکت را مثلاً توزیع کند و سود اصلی را خود بردند، حال آنکه محصولات شرکت آنقدر معروف بود که خود باعث فروش رفتن محصولات غیر مرغوب دیگران هم می شد و توزیع کننده به جای دریافت حق العمل، باید کلی هم به شرکت سرقتی می داد!

#### پاسخگویی

گاهی نیز رفتار غیر اخلاقی در پوشش قانون تجارت توجیه می شود؛ مثلاً در مجمع عمومی سالانه یکی از بانکها که در اتاق بازرگانی تشکیل شده بود، وقتی یکی از سهامداران حاضر خواستار فهرست اسامی سهامداران عمده شد، با اینکه بانک مربوط در بورس اوراق بهادار هم حاضر است، مدیر عامل آن با اتکا به قانون تجارت مدعی شد اجباری به این افشاگری ندارد.

#### نتیجه

نمونه های رفتار غیر اخلاقی را می توان به تمام بازیگران چرخه گزارشگری مالی تعمیم داد. تا موقعی که رفتار غیر اخلاقی ریشه کن و رفتار اخلاقی سرلوحه اقدامات بازیگران نشود، وجود مقررات، استانداردها و حتی آیین نامه های رفتار حرفه ای مناسب هم نمی تواند صد درصد ما را از انجام درست کارها مطمئن سازد، گویا هنوز متاسفانه مقررات، استانداردها و آیین رفتار حرفه ای کاملاً مناسبی هم در اختیار نداریم.

موسسه های رتبه بندی دقت عمیقی به گزارش نکرده اند؛ تحلیلگران بانک سرمایه گذاری از بیم سرنوشت سایر قسمتهای سازمان خود که تا آخرین لحظات فروپاشی به بازاریابی سهام انرون مشغول بودند، اعتراضی نکرده اند؛ و رسانه ها نیز برخلاف انتظار، هیچ واکنشی نشان نداده اند؛ تا خیلی دیر شد. این همه رفتار غیر اخلاقی، بدرستی تکانهنده است.

#### نمونه هلت ثاوت

مدیر عامل متقلب بیمارستان معروف هلت ثاوت (HealthSouth) که درآمدها را از طریق افزایش مطالبات از شرکتهای بیمه ۲/۵ میلیارد دلار متورم کرده بود، در جواب اعضای هیئت مدیره محافظه کار خود که او را از این کارها بر حذر می داشتند، علناً گفت تا موقعی که سهامش را گران نفروشد، آتش همین آتش و کاسه همین کاسه است. او بعداً سهامش را ۲۰۰ میلیون دلار فروخت و ۱۵ میلیون دلار هم حقوق و پاداش گرفت و رفت. حسابرس مستقل هم که گزارشهای مالی فصلی را خودش تهیه می کرد، موجودی نقدی و درامد را سیصد میلیون دلار اضافه کرده بود!

#### روزنامه ها

در مواردی، روزنامه ها رفتاری غیر اخلاقی که بسیار تکان دهنده است از خود نشان می دهند. اگر آگهی نگیرند، شرکت را به گونه ای تحلیل می کنند که انگار ورشکسته شده است، و اگر آگهی گران بگیرند، شرکت را به عرش می رسانند!

#### تضاد منافع

درست است که فعلاً در ایران رسماً بانک سرمایه گذاری نداریم ولی در مواردی که بعضی از شرکتهای سرمایه گذاری این وظیفه را به

